

ارائه چارچوبی برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنرجویان هنرستانی: یک مطالعه فراترکیب مبتنی بر مدل سه شاخگی

نرگس حسین زاده شیرازی* سعید صفایی موحد** سیف اله فضل الهی قمشی***

* دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
** (نویسنده مسئول) گروه علوم تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
*** گروه علوم تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۹/۸ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۴/۹/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۵/۲۹

چکیده:

اهداف و پیشینه: پژوهش حاضر با هدف توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان هنرستانی انجام گرفته است. هنرجویان هنرستان‌ها به دلیل برخورداری از آموزش‌های عملی و مهارت‌محور، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به کارآفرینان آینده دارند. مطالعات و شواهد نشان می‌دهد که سیستم‌های آموزشی غالباً بر انتقال دانش تئوری و مهارت‌های فنی صرف متمرکز هستند و کمتر به پرورش شایستگی‌های کارآفرینی می‌پردازند. روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر رویکرد استقرایی است و روش تحلیل نیز فراترکیب می‌باشد که با بررسی مقالات مرتبط با راهکارهای کارآفرینی و توسعه شایستگی، مقالات متعددی گردآوری شد، سپس اعتبار علمی آنها مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله مقالاتی که در نشریات معتبر علمی انتشار یافته بودند مورد توجه و در فرایند فراترکیب بکار گرفته شد. با بررسی محتوایی آنها برخی مقالات نامرتبط حذف شدند و در نهایت ۳۳ مقاله مبنای تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: سپس راهکارها در سه بُعد رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای قرار گرفت. راهکارهای ایجاد شوق درونی، ارتقاء سطح مهارت‌ها، تقویت زیست‌بوم فعالیت‌های خلاقانه و ایجاد و تقویت نگرش تعالی محور در ذیل راهکارهای رفتاری قرار گرفتند. راهکارهای توسعه ظرفیت‌های گروهی، شکوفایی ظرفیت‌های پنهان، استفاده از شتاب‌دهنده‌های رشد فردی و تیمی و استعداد سنجی به عنوان راهکارهای ساختاری مطرح شد. راهکارهای زمینه‌ای نیز شامل فرهنگ کارآفرینی، هوش راهبردی، اکوسیستم کارآفرین منطقه‌ای و فناوری‌های نوین می‌باشد. نتیجه گیری: هریک از ابعاد و سطوح راهکارها نقش مهمی در توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان دارند و این سه دسته از راهکارها مکمل یکدیگر بوده، باید یکجا مورد توجه قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: راهکار، شایستگی، کارآفرینی، مدل سه شاخگی، هنرجویان.

Developing a Framework for Entrepreneurial Competency Development among Vocational High School Students: A Meta-Synthesis Based on the Three-Pronged Model

Narges Hossinzadeh Sherazi*
Ghpmshi***

Saeed Safaeimovahhed**

Seyfollah Fazlollahi

* PhD Candidate, Department of Educational Management, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

** (Corresponding Author), Department of Educational Management, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

*** Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Tolo Mehr University, Qom, Iran

Abstract:

Objectives and Background: This study aimed to develop entrepreneurial competencies among vocational high school students. Because they receive practical and skill-based education, these students have strong potential to become future entrepreneurs. However, evidence shows that educational systems often emphasize theoretical knowledge and technical skills while paying less attention to entrepreneurial competency development. **Method:** This applied study used an inductive approach to data collection and meta-synthesis for analysis. Relevant articles on entrepreneurship strategies and competency development were collected and their scientific validity was assessed. Only articles published in معتبر scientific journals were included. After content review and removal of irrelevant studies, 33 articles were selected for final analysis. **Findings:** The identified strategies were classified into three dimensions: behavioral, structural, and contextual. Behavioral strategies included creating intrinsic motivation, improving skill levels, strengthening the ecosystem of creative activities, and fostering an excellence-oriented mindset. Structural strategies included developing collective capacities, uncovering hidden capacities, using individual and team growth accelerators, and talent identification. Contextual strategies included entrepreneurship culture, strategic intelligence, the regional entrepreneurial ecosystem, and emerging technologies. **Conclusion:** The findings indicate that each of these dimensions plays an important role in developing entrepreneurial competencies among vocational high school students. Since these three categories of strategies complement one another, they should be considered together in order to effectively promote entrepreneurial competency development.

Keywords: Solution, Competence, Entrepreneurship, Triangular Model, Students

در عصر حاضر، کارآفرینی به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی و اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در ایجاد اشتغال، نوآوری و رقابت‌پذیری ایفا می‌کند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف تربیت نیروی انسانی ماهر و آماده ورود به بازار کار، بستر مناسبی برای پرورش استعدادها و توانمندی‌های دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش با ارائه سالیانه بیش از ۷۰۰ میلیون ساعت آموزش در ۷۱۶۱ هنرستان به عنوان یکی از بزرگترین و مهمترین ارائه‌دهندگان آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی در کشور به شمار می‌روند (نجفی، ۱۴۰۱). هنرجویان هنرستان‌ها به دلیل برخورداری از آموزش‌های عملی و مهارت‌محور، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به کارآفرینان آینده دارند. اهمیت این مسئله برای نظام‌های آموزشی موجب شده تا در بسیاری از اسناد و سیاستگذاری‌های خود، موضوع توسعه شایستگی‌های کارآفرینی را مورد توجه و مطالعه قرار دهند (باسیگالوپو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در مراکز آموزشی به ویژه هنرجویان هنرستانی در ایران نیز از این روند مستثنی نیست و براساس فضای رقابت بازار و حل مسائل نوپدید، هنرجویان هنرستانی نیازمند توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هستند. مطالعات و شواهد نشان می‌دهد که سیستم‌های آموزشی غالباً بر انتقال دانش تئوری و مهارت‌های فنی صرف متمرکز هستند و کمتر به پرورش شایستگی‌های کارآفرینی همچون خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری، تفکر انتقادی و مهارت‌های مدیریتی می‌پردازند. (کاریونو^۲، ۲۰۱۷). این چالش می‌تواند منجر به ناکارآمدی هنرجویان و عدم اشتغال آنان گردد. براساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در سال ۱۴۰۲ برابر با ۱/۸ درصد بوده است؛ درحالی‌که این شاخص برای جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۲/۲۱ درصد گزارش شده است. بدین ترتیب، نرخ بیکاری جوانان این گروه سنی حدود ۶/۲ برابر نرخ بیکاری کل جمعیت بوده است (سالنامه آماری کشور: فصل نیروی انسانی، ۱۴۰۲، ص. ۱۸۰). از سوی دیگر، براساس گزارش‌های وزارت آموزش و پرورش، بیش از ۴۰ درصد از دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش تحصیل می‌کنند. این وضعیت نشان می‌دهد که آموزش‌های مهارتی، بخش مهمی از نظام متوسطه کشور را تشکیل می‌دهد و هرگونه ضعف در تناسب محتوای آموزشی با نیازهای بازار کار می‌تواند بر اشتغال‌پذیری بخش قابل توجهی از نیروی کار آینده اثر بگذارد. با این حال، آمار موجود به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد که همه مشکلات اشتغال جوانان ناشی از ضعف آموزش‌های هنرستانی است؛ زیرا اشتغال تحت تأثیر عوامل اقتصادی، منطقه‌ای، نهادی و اجتماعی متعددی قرار دارد. با وجود این، هم‌زمانی نرخ بالای بیکاری جوانان با ضرورت توسعه آموزش‌های مهارتی، اهمیت بازنگری در شایستگی‌های مورد نیاز هنرجویان را برجسته می‌کند. در این میان، برخورداری از مهارت‌های فنی به‌تنهایی کافی نیست بلکه نیازمند توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان هنرستانی می‌باشد. توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان موضوعی راهبردی و دارای اولویت است و نیازمند اهتمام و توجه جدی می‌باشد. اگرچه مطالعات ارزشمندی در خصوص کارآفرینی و شایستگی‌های هنرجویان انجام شده است ولی برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان هنرستانی نیازمند تجمیع راهکارهای ارائه شده و ایجاد راهکارهای نوین از مطالعات انجام شده می‌باشد. در واقع توسعه شایستگی‌های کارآفرینی می‌تواند یکی از پاسخ‌های مهم به مسئله اشتغال‌پذیری و انطباق آموزش‌های هنرستانی با نیازهای متحول بازار کار باشد. این پژوهش با هدف ارائه راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان هنرستانی سعی دارد با استفاده از مدل سه شاخگی، راهکارهای توسعه را در سه بُعد راهکارهای رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای مورد تبیین و تحلیل قرار دهد. توسعه شایستگی کارآفرینی صرفاً یک مسئله فردی نیست که فقط بر مهارت و انگیزش هنرجو توجه شود؛ نقش برنامه درسی، هنرستان، سیاست‌گذاران، امکانات، بازار کار و فرهنگ محیطی نادیده گرفته می‌شود. مدل سه‌شاخگی کمک می‌کند تا راهکارها در سه سطح فرد و رفتار، ساختارهای آموزشی و سازمانی، و زمینه‌های محیطی و اجتماعی ارائه شوند. از سوی دیگر پراکندگی راهکارهای ارائه شده موجب شدت از مدل سه شاخگی استفاده شود. این مدل چارچوبی برای مطالعه ابعاد مختلف یک پدیده براساس

1. Bacigalupo

2. Karyono

سه محور رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای ارائه می‌نماید و یکی از مدل‌های مشهور و شناخته شده در حوزه شناسایی ابعاد مختلف یک پدیده می‌باشد، استفاده از مدل سه‌شاخگی در این پژوهش باعث می‌شود مسئولیت توسعه شایستگی کارآفرینی فقط بر دوش هنرجو قرار نگیرد و نقش هنرستان، نظام آموزشی و محیط اقتصادی - اجتماعی نیز دیده شود. بنابراین، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنر جوان رشته‌های هنر و فناوری هنرستانها در سه بُعد ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای کدامند؟ هدف این پژوهش ارائه یک چارچوب جامع از راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان هنرستانی است که در سه بُعد ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای ارائه می‌شود.

مبانی نظری پژوهش:

مطالعات کارآفرینی در حوزه تعلیم و تربیت به عنوان یک محور راهبردی، نقشی تحول‌آفرین در بازتعریف اهداف آموزشی، طراحی برنامه‌های درسی و پرورش نیروی انسانی توانمند ایفا می‌کند. در عصر حاضر که اقتصاد دانش‌بنیان و نوآوری، تعیین‌کننده مزیت‌های رقابتی ملتها است، نظام‌های آموزشی نمی‌توانند به انتقال محتوای سنتی بسنده کنند؛ بلکه باید با تلفیق کارآفرینی در فرآیند تعلیم و تربیت، زمینه‌ساز پرورش افرادی خلاق، مسئولیت‌پذیر و توانمند برای خلق ارزش اقتصادی و اجتماعی شوند. به طوریکه مہیای حضوری موفقیت‌آمیز در محیط‌های پیچیده و رقابتی گردند (باسیگالوپو و همکاران، ۲۰۱۶). چنین رویکردی نه تنها به ارتقای توانمندی‌های فردی می‌انجامد، بلکه با تقویت روحیه خوداتکایی و کاهش وابستگی به مشاغل دولتی، به حل چالش‌های کلانی مانند بیکاری، تعادل بخشی به بازار کار و توسعه اقتصادی کمک می‌کن (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد [یونسکو]، ۲۰۲۲). لازمه آن توجه به شایستگی‌های کارآفرینی است. روسو^۴ شایستگی‌های کارآفرینی را مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و قابلیت‌های فردی اعم از دانش، نگرش و مهارت در تأسیس یک کسب و کار و به سرانجام رساندن موفقیت آمیز آن می‌داند. به طوریکه به تعالی خدمت‌دهی منجر می‌شود (روسو، ۲۰۲۰). اسپنسر و اسپنسر (۱۹۹۳/۱۴۰۲، ص. ۲۹). شایستگی‌های کارآفرینی را ترکیبی از ویژگی‌های زیربنایی، مهارت‌ها، صفات دانشی و انگیزه‌های یک شخص که به‌طور سببی با عملکرد برتر در شغل ارتباط دارد می‌داند. بنابراین می‌توان گفت شایستگی‌های کارآفرینی به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و قابلیت‌ها برای ایجاد فعالیتی ارزشمند در بازار رقابتی اشاره دارد.

شایستگی‌های کارآفرینی همواره یک موضوع جدی و مورد توجه در مراکز آموزشی و مهارتی بوده که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند. در این خصوص برخی از مطالعات انجام شده بررسی می‌شوند: پارک و کیم^۵ (۲۰۲۵) با هدف شناسایی شایستگی‌های محوری برای کارآفرینی، بر توانمندی‌های فناورانه و دیجیتالی کارآفرینان تمرکز نموده و آن را به عنوان یک سازوکار مناسب برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در مهارت‌جویان عنوان می‌نمایند. او یکپارچه سازی و ادغام مهارت‌ها را به عنوان راهبردی حیاتی برای توسعه شایستگی فناورانه برای کارآفرینی برمی‌شمارد. تمرکز این پژوهش بر شناسایی شایستگی‌های محوری کارآفرینی با تأکید بر توانمندی‌های فناورانه و دیجیتالی است در حالیکه توسعه شایستگی‌های کارآفرینی چیزی فراتر از توانمندی‌های فناورانه و دیجیتالی می‌باشد. همچنین سطح تحلیل در پژوهش پارک و کیم بر شایستگی‌های فردی و مهارتی استوار گشته است در حالیکه به منظور توسعه شایستگی‌های کارآفرینی باید سایر عوامل و سطوح را نیز مورد توجه قرار داد.

بارینتوباز^۶ و همکاران (۲۰۲۵) معتقد است، رهیافت‌های رفتاری و روان‌شناسانه و انگیزه‌های درونی نقش مهمی در توسعه شایستگی‌های کارآفرینی دارند و مجموعه‌های آموزشی نباید از آن غافل شوند. او با تأکید بر نقش انگیزش، تجربه،

3. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

4. Rusu

5. Park & Kim

6. Barrientos-Báez

مهارت‌ها و رفتارهای فردی، توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه را فرایندی روان‌شناختی و رفتاری می‌داند که از طریق آموزش و تجربه قابل تقویت است. وجه اشتراک این پژوهش با مطالعه حاضر، تأکید بر نقش آموزش، تجربه و عوامل نگرشی و رفتاری در شکل‌گیری شایستگی‌های کارآفرینانه است. بااین‌حال، پژوهش بارینتوباز عمدتاً بر سطح فردی و روان‌شناختی تمرکز دارد؛ درحالی‌که به پژوهش حاضر چارچوبی جامع برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه هنجویان هنرستانی ارائه می‌دهد و علاوه بر عوامل فردی، مؤلفه‌های مهارتی، بازارمحور، ارتباطی، فرهنگی، ساختاری و زمینه‌ای را نیز بررسی می‌کند. در واقع رویکرد رفتاری و تقلیل راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجویان به سطح رفتاری و نادیده انگاشتن سطوح ساختاری و عوامل زمینه‌ای می‌تواند مانع درک بسیاری از راهکارهای مهم در این خصوص گردد.

کانسیکا و تاراسانسکی^۷ (۲۰۲۳) با بررسی تجربیات و دیدگاه‌های کارآفرینان، بر نقش خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری و تحلیل بازار رقابتی در شکل‌گیری شایستگی‌های کارآفرینانه تأکید کردند. پژوهش آنان بر کارآفرینان بالفعل و تجربه‌های پس از ورود به بازار تمرکز دارد؛ درحالی‌که پژوهش حاضر با استفاده از روش فراترکیب، چارچوبی برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه هنجویان هنرستانی در مرحله آموزش و پیش از ورود به بازار کار ارائه می‌کند و علاوه بر ابعاد فردی، عوامل ساختاری، آموزشی و زمینه‌ای را نیز دربرمی‌گیرد. البته نتایج پژوهش آنها به دلیل مطالعه تجربیات و نظرات کارآفرینان می‌تواند به عنوان داده‌های ورودی در این پژوهش مورد استفاده قرار گیرد و در فرایند طبقه‌بندی راهکارهای قرار گیرد. موضوعاتی از قبیل خلاقیت، نوآوری و شناخت بازار به عنوان داده‌های این پژوهش در فرایند فراترکیب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اکبری و همکاران (۱۴۰۲) با طراحی الگوی ویژگی‌های مدارس کارآفرین در ایران، بر نقش محیط اجتماعی مدرسه در پرورش خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری، ریسک‌پذیری و تمایل به موفقیت دانش‌آموزان تأکید کردند. وجه اشتراک این پژوهش با مطالعه حاضر، توجه به نقش نظام آموزشی، فرهنگ مدرسه، تعاملات اجتماعی و یادگیری کاربردی در توسعه روحیه و شایستگی‌های کارآفرینانه است. بااین‌حال، پژوهش آنها بر ویژگی‌های مدرسه کارآفرین تمرکز دارد، درحالی‌که پژوهش حاضر به توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه هنجویان هنرستانی می‌پردازد و علاوه بر ابعاد نگرشی و شخصیتی، مؤلفه‌های مهارتی و عملی، بازار و کسب‌وکار، ارتباطی و شبکه حرفه‌ای و ارزش‌محور و فرهنگی را نیز بررسی می‌کند.

ویونو^۸ و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که یادگیری سازنده‌گرا و پروژه‌محور، از طریق درگیر کردن فراگیران در فعالیت‌های عملی و حل مسائل واقعی، می‌تواند شایستگی‌های کارآفرینانه دانشجویان را تقویت نمود. این پژوهش بر اهمیت یادگیری تجربی، همکاری با صنعت و بازار کار، بازنگری برنامه درسی، تقویت نوآوری و ایجاد فرصت‌های خوداشتغالی تأکید دارد. پژوهش حاضر با این مطالعه در توجه به آموزش عملی، تجربه‌محور و ارتباط آموزش با بازار کار همسو است؛ اما تفاوت آن در تمرکز بر هنجویان هنرستانی و ارائه مدلی جامع برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه در ابعاد مختلف است.

در مجموع، پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه در محیط‌های آموزشی، مستلزم توجه همزمان به ویژگی‌های فردی فراگیران، فرهنگ و فضای اجتماعی مدرسه، برنامه‌های درسی، روش‌های یاددهی - یادگیری، تجربه عملی، یادگیری پروژه‌محور و ارتباط با صنعت و بازار کار است. پژوهش‌های پیشین، از یک سو بر نقش مدرسه کارآفرین در پرورش خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری، ریسک‌پذیری و تمایل به موفقیت تأکید کرده‌اند و از سوی دیگر، یادگیری تجربی و پروژه‌محور را عاملی مؤثر در پیوند دادن دانش نظری با حل مسائل واقعی و تقویت نوآوری، مهارت عملی و خوداشتغالی دانسته‌اند. بااین‌حال، بیشتر این مطالعات یا در سطح ویژگی‌های عمومی مدرسه و یا در بستر آموزش عالی انجام شده‌اند و کمتر به توسعه جامع و بومی شایستگی‌های کارآفرینانه هنجویان هنرستانی توجه

^۷. Kansikas & Tarasanski

^۸. Wiyono

داشته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر بستر آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش، می‌کوشد راهکارهای مؤثر بر توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه هنرجویان را در ابعاد رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای شناسایی و تبیین کند.

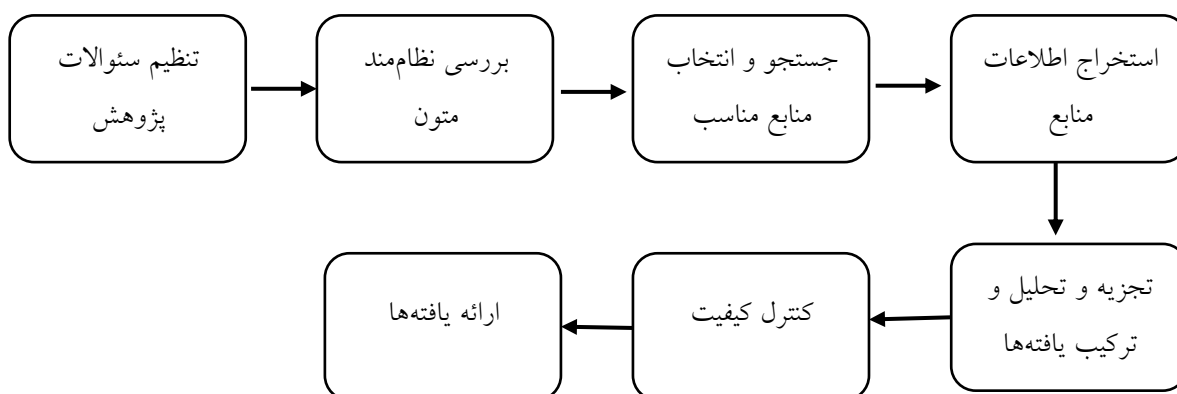
روش پژوهش:

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و منطق آن مبتنی بر رویکرد استقرایی است. مطالعات کیفی غالباً رویکرد استقرایی را در جمع‌آوری داده‌ها به کار می‌گیرند. (صفایی موحد، ۱۴۰۳، ص. ۸۷) راهبرد پژوهش حاضر، کیفی و اکتشافی - تبیینی است که مبتنی بر پارادایم تفسیری می‌باشد. این راهبرد برای موضوعاتی مناسب است که دانش و یافته‌های موجود درباره آن‌ها در مطالعات متعدد، پراکنده و ناهمگون است و پژوهشگر در پی گردآوری، مقایسه، تفسیر و ترکیب یافته‌ها برای دستیابی به یک چارچوب مفهومی جامع‌تر است. از این رو، پژوهش حاضر به جای گردآوری داده‌های اولیه از طریق مصاحبه یا پرسش‌نامه، داده‌های خود را از یافته‌ها، مفاهیم، مؤلفه‌ها و مدل‌های ارائه‌شده در پژوهش‌های معتبر پیشین در حوزه شایستگی‌های کارآفرینی، آموزش فنی و حرفه‌ای و توسعه هنرجویان هنرستانی استخراج کرده است. داده‌های گردآوری شده با روش فراترکیب که در زمره پژوهش‌های تفسیرگرایانه می‌باشد، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. روش فراترکیب یکی از روش‌های شایع و مطرح برای بررسی سنتز (نتایج) مطالعات انجام شده بکار می‌رود. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که یافته‌های سایر تحقیقات کیفی در زمینه یک موضوع را به عنوان داده به کار می‌گیرد؛ بنابراین، نمونه‌های مطالعه فراترکیب را مطالعات کیفی تشکیل می‌دهند که پژوهشگر براساس مسئله پژوهش خود مورد مطالعه قرار می‌دهد (سندلوسکی^۹، ۲۰۰۸). دو رویکرد عمده به سنتز مطالعات کیفی در بین پژوهشگران مطرح است برخی از پژوهشگران بر این باورند که فراترکیب یک فرایند جمع‌کننده است و عمدتاً در تحلیل به رویکردهای کمی میل می‌کند. برخی دیگر فراترکیب را یک فرایند تفسیری تلقی می‌کنند و بر توسعه نظری و توسعه مفهومی تمرکز دارد و مبتنی بر مبانی رویکردهای کیفی است (آگوییر و بولتون^{۱۰}، ۲۰۱۴، ص. ۲۸۱). امروزه در میان مطالعات علوم اجتماعی و رفتاری، تعداد مطالعاتی که برای بررسی و تفسیر پدیده‌ها از روش‌های کیفی بهره می‌برند رو به افزایش است. تعدد مطالعات کیفی در مورد یک پدیده، این امکان را فراهم آورده تا با سنتز آنها بتوان خروجی‌های جدیدی ایجاد کرد. شواهد حاصل از سنتز مطالعات کیفی می‌تواند بینشی عمیق از پدیده مورد مطالعه ارائه نماید (رینگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۱). در این پژوهش به منظور شناسایی راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرجویان هنرستانی با استفاده از روش فراترکیب که توسط سندلوسکی ارائه شده است استفاده می‌شود. گام‌هایی که در این پژوهش انجام شد در ذیل ارائه می‌شوند:

9 . Sandelowski

10. Aguirre & Bolton

11 . Ring



(۱) تنظیم سؤالات پژوهش: در مرحله تنظیم سؤال‌های پژوهش برای احصای داده‌ها، تمرکز بر نوع منابع، بازه زمانی و چگونگی دستیابی به منابع مطرح می‌شود. در این پژوهش، مطالعاتی مورد توجه قرار گرفته‌اند که در زمره نشریات پژوهشی باشند. دامنه زمانی بررسی منابع نیز از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ در نظر گرفته شد؛ زیرا در این دوره، پژوهش‌ها از تمرکز صرف بر ویژگی‌های فردی کارآفرینان فاصله گرفته و به‌سوی الگوهای چندبعدی شایستگی‌های کارآفرینانه، از جمله شایستگی‌های فرصت‌شناسی، ارتباطی، راهبردی، سازمان‌دهی، تعهدی و مفهومی، سوق یافتند. در این میان، مطالعه من و لاو^{۱۲} (۲۰۰۰) از پژوهش‌های اثرگذار در تبیین ابعاد شایستگی‌های کارآفرینانه به شمار می‌رود. در پاسخ به پرسش چگونگی دستیابی به مطالعات انجام‌شده، از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی، از جمله نورمگز^{۱۳}، مگ ایران^{۱۴}، پورتال جامع علوم انسانی^{۱۵} و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^{۱۶} استفاده شد. این پایگاه‌ها در نمایه‌سازی نشریات معتبر علمی مشهور و معتبر هستند. برای جست‌وجوی منابع خارجی نیز از پایگاه‌های اطلاعاتی اسکوپوس^{۱۷}، ساینس دایرکت^{۱۸}، امرلد^{۱۹} و اسپرینگر^{۲۰}، استفاده شده است. به دلیل اعتبار علمی، پوشش مناسب نشریات داوری‌شده بین‌المللی و تمرکز بر حوزه‌های کارآفرینی، مدیریت، آموزش، توسعه مهارت‌ها و آموزش فنی‌وحرفه‌ای، این پایگاه‌ها انتخاب شدند. بهره‌گیری از این پایگاه‌ها، جامعیت جست‌وجو و دسترسی به مطالعات معتبر مرتبط با شایستگی‌های کارآفرینی را تقویت کرد.

(۲) بررسی نظام‌مند مطالعات: در این مرحله، پژوهشگر به‌صورت منظم و هدفمند، مقالات و مطالعات انجام‌شده مرتبط با موضوع پژوهش را بررسی می‌نماید. در این مرحله از دو نفر خبره برای مرور نشریات و مطالعات پژوهشی مرتبط با موضوع استفاده شد. با استفاده از راهنمایی‌های آنها و با رویکرد سنتزپژوهی مضمونی، مطالعات و مقالات مرتبط با توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرستان و مراکز فنی‌حرفه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

(۳) جستجو و انتخاب منابع مناسب: برای جستجو از کلیدواژه‌های «راهکارهای شایستگی‌های کارآفرینی»، «راهکارهای کارآفرینی در مراکز آموزشی»، «توسعه کارآفرینی در هنرجویان»، «ارتقاء شایستگی هنرجویان»، «تقویت کارآفرینی در مدارس»، «مدارس کارآفرین» و «کارآفرینی در مدارس و هنرستان‌ها» استفاده شد. از آنجا که انتخاب منابع مناسب مستلزم تدوین ملاک‌هایی روشن برای انتخاب و دسته‌بندی مطالعات بود،

12 . Man & Lau

13 . Normags

14 . Magiran

15 . SID

16 . IRANDOC

17 . Scopus

18 . Science Direct

19 . Emerlad

20 Springer

معیارهای ورود پژوهش‌ها به فرایند سنتز تعیین شد. مطالعاتی وارد پژوهش شدند که به‌طور مستقیم به توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت این شایستگی‌ها یا راهکارهای توسعه آن‌ها در بستر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، هنرستان‌ها و آموزش‌های مهارتی پرداخته بودند. افزون بر این، پژوهش‌های کمی، پیمایشی، تجربی و همبستگی نیز، در صورتی که یافته‌ها و دلالت‌های قابل‌استخراجی درباره راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه ارائه می‌کردند، انتخاب شدند. سندلوسکی و همکاران ورود حداقل ۱۰-۱۲ مطالعه اولیه را توصیه می‌نمایند (سندلوسکی و همکاران، ۲۰۰۷). در راستای جست‌وجوهای انجام‌شده در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی ۶۵ مقاله شناسایی شد. مطالعات شناسایی شده در چند مرحله توسط افراد خبره مورد بازبینی دقیق قرار گرفتند تا مطالعات نامتناسب با سؤال‌ها و هدف پژوهش حذف و مرتبط‌ترین مطالعات برای استخراج و ترکیب یافته‌ها انتخاب شوند. فرایند بازبینی شامل بررسی عنوان، چکیده، محتوای کامل پژوهش‌ها و تناسب روش‌شناختی آن‌ها با هدف پژوهش بود. مراحل این فرایند به شرح زیر انجام شد:

در مرحله نخست، عنوان ۶۵ مطالعه بررسی شد که از این تعداد، ۱۲ مطالعه به دلیل نامرتب بودن عنوان با سؤال‌ها و هدف پژوهش، یعنی توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنرجویان هنرستانی، حذف شد؛ بنابراین، ۵۳ مطالعه برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شد.

در مرحله دوم، چکیده ۵۳ مطالعه باقی‌مانده بررسی شد که ۱۱ مطالعه به دلیل نامرتب بودن چکیده و نبود ارتباط کافی با سؤال‌ها و هدف پژوهش حذف شد؛ در نتیجه، ۴۲ مطالعه برای ارزیابی در مرحله بعد باقی ماند.

در مرحله سوم، متن کامل و محتوای ۴۲ مطالعه بررسی شد. در این مرحله، ۹ مطالعه به دلیل فقدان یافته‌ها و اطلاعات کافی یا نامرتب بودن محتوای آن‌ها با توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنرجویان هنرستانی حذف شد؛ بنابراین، ۳۳ مطالعه واجد شرایط، برای تحلیل و سنتز نهایی انتخاب شد.

در مرحله چهارم، مطالعات منتخب از حیث روش تحقیق نیز بررسی شدند. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، شناسایی و ترکیب راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی از طریق فراترکیب مطالعات پیشین بود، هیچ مطالعه‌ای صرفاً به دلیل تفاوت در روش تحقیق حذف نشد؛ زیرا پژوهش‌های کیفی و نیز مطالعات کمی دارای یافته‌ها و دلالت‌های قابل‌استخراج، می‌توانستند در تبیین و غنای راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی مؤثر باشند. در نهایت ۳۳ مقاله برای ورود به سنتز پژوهش انتخاب شدند. مشخصات مطالعات در جدول شماره (۱) ارائه می‌شود.

جدول ۱. مقالات و مطالعات مورد استفاده در فراترکیب

ردیف	کلیدواژه	منبع	سال نشر
C1	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینانه	بکان و همکاران	۱۴۰۱
C2	آموزش کارآفرینی، شایستگی کارآفرینانه، برنامه درسی، مهارت‌های کارآفرینی	اکبری و همکاران	۱۴۰۲
C3	شایستگی کارآفرینانه، دانش‌آموزان، کارآفرینی، آموزش متوسطه	قادری شیخی‌آبادی و همکاران	۱۴۰۲
C4	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش فنی‌وحرفه‌ای، مهارت‌های کارآفرینی	میرزاآقایی و همکاران	۱۴۰۱
C5	برنامه درسی کارآفرینانه، آموزش متوسطه، مدارس متوسطه، کارآفرینی	اصلانی و همکاران	۱۴۰۲
C6	شایستگی کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، دانشجویان، کارآفرینی	غفرانی و همکاران	۱۴۰۱
C7	آموزش کارآفرینی، شایستگی کارآفرینانه، مدارس، مهارت‌های کارآفرینی	احمدپور کریم‌آبادی و همکاران	۱۴۰۲
C8	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، دانش‌آموزان	براتی و جلیلی	۱۴۰۱
C9	برنامه درسی کارآفرینانه، آموزش متوسطه، شایستگی‌های کارآفرینانه	جعفرپور و همکاران	۱۴۰۲
C10	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش فنی‌وحرفه‌ای، برنامه درسی	هاشمی و همکاران	۱۴۰۱

C11	شایستگی کارآفرینانه، کارآفرینی، آموزش کارآفرینی	خدابنده	۱۴۰۲
C12	آموزش کارآفرینی، شایستگی کارآفرینانه، مهارت‌های کارآفرینی	اشرافی و نجفی هزارجریبی	۱۴۰۱
C13	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری	کریمیان و همکاران	۱۴۰۱
C14	شایستگی کارآفرینانه، آموزش فنی و حرفه‌ای، دانش‌آموزان	ناصری و همکاران	۱۴۰۲
C15	آموزش کارآفرینی، شایستگی‌های کارآفرینانه، برنامه درسی	مینایی‌پور و همکاران	۱۴۰۱
C16	آموزش کارآفرینی، خلاقیت، اعتمادبه‌نفس، شایستگی کارآفرینانه	عزیزی و همکاران	۱۴۰۱
C17	کارآفرینی دانشگاهی، شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش عالی	حسینی و همکاران	۱۳۹۷
C18	برنامه درسی کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، شایستگی‌های کارآفرینانه	بهمنی و همکاران	۱۳۹۹
C19	آموزش کارآفرینی، شایستگی کارآفرینانه، برنامه درسی	بهمنی و همکاران	۱۴۰۰
C20	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، کارآفرینی	آراستی و همکاران	۱۴۰۰
C21	شایستگی کارآفرینانه، کارآفرینی، آموزش کارآفرینی	سلجوقی	۱۴۰۲
C22	آموزش کارآفرینی، شایستگی‌های کارآفرینانه، مهارت‌های کارآفرینی	باوفا و همکاران	۱۴۰۱
C23	شایستگی کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، دانشجویان	ملکی آوارسین و همکاران	۱۴۰۱
C24	آموزش کارآفرینی، شایستگی‌های کارآفرینانه، برنامه درسی	نوری و همکاران	۱۴۰۰
C25	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینی	کریمی و همکاران	۱۴۰۱
C26	آموزش کارآفرینی، شایستگی کارآفرینانه، مهارت‌های کارآفرینی	قلیچ‌لی و مکانی	۱۴۰۲
C27	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های کارآفرینی	فقیهی و همکاران	۱۴۰۱
C28	آموزش کارآفرینی، شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش مهارت‌های آینده	یونسکو	۲۰۲۵
C29	شایستگی‌های کارآفرینانه، تحول دیجیتال، سواد دیجیتال، نوآوری	پارک و کیم	۲۰۲۵
C30	شایستگی کارآفرینانه، خودکارآمدی، قصد کارآفرینانه، دانشجویان	بارینتوس-بائز و همکاران	۲۰۲۲
C31	شایستگی‌های کارآفرینانه، یادگیری تجربی، آموزش کارآفرینی، نوآوری	کانسیکاس و تاراسنسکی	۲۰۲۳
C32	یادگیری سازنده‌گرا، یادگیری پروژه‌محور، آموزش کارآفرینی، یادگیری تجربی	ویونو و همکاران	۲۰۲۵
C33	شایستگی‌های کارآفرینانه، آموزش کارآفرینی، دانشجویان	سومیا	۲۰۲۴

۴) استخراج اطلاعات منابع: در این مرحله یافته‌های مطالعات انجام شده، استخراج می‌گردد و به طور دقیق ثبت و ضبط می‌شوند. در این مرحله پژوهشگر ۱۴۷ مفهوم از مقالات استخراج نمود که به عنوان داده‌های اولیه در فرایند سنتزپژوهی مورد استفاده قرار گرفت. بعضی از مفاهیم احصاء شده از مقالات دارای مشابهت و قرابت معنایی و لفظی بودند به همین دلیل مفاهیم مشابه معنایی و لفظی ادغام شد.

۵) در مرحله تحلیل سنتز، روش‌های تفسیری زیادی وجود دارد که به پژوهشگر کمک می‌کند تا سنتز مطالعات را مورد تحلیل قرار دهد (آگوییر و بولتون، ۲۰۱۴). یکی از روش‌های شایع روش سنتز موضوعی یا فراترکیب مضمونی است. (توماس و هاردن^{۲۱}، ۲۰۰۸) این روش می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر برای دسته بندی داده‌های کیفی مورد استفاده قرار گیرد. سندلوسکی و همکاران نیز به منظور تحلیل داده‌های کیفی، تکنیک دسته‌بندی را پیشنهاد می‌دهند. (سندلوسکی و همکاران، ۲۰۰۷) تحلیل مضمونی مرحله‌ای از تفسیر را نشان می‌دهد که در آن پژوهشگر از مطالعه اولیه فراتر می‌رود و سازه‌های تفسیری جدیدی را ارائه می‌نماید (توماس و هاردن، ۲۰۰۸). در این مرحله پس از احصاء داده‌های اولیه از سنتز مطالعات انجام شده و ادغام آنها به دلیل مشابهت معنایی و لفظی، فرایند تحلیل و دسته‌بندی مفاهیم توسط پژوهشگر آغاز شد. در ابتدا ۱۴۷ مفهوم مرتبط با راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی احصاء شد. سپس در فرایند ترکیب مضمونی با استفاده از قاعده مقایسه و مشابهت مفاهیم، هر یک از مفاهیم متداخل در ذیل یک مؤلفه تجمیع می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۳). در ادامه مفاهیم مشترک در ذیل یک مؤلفه قرار گرفتند. در این مرحله ۱۲ مؤلفه ایجاد شد که هر یک از مؤلفه‌ها بیانگر راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنرستان می‌باشند. سرانجام راهکارها در قالب ۵ بُعد دسته بندی شد. جداول ۳ و ۴ فرایند تبدیل هر یک از مفاهیم به مؤلفه‌ها به عنوان

21. Thomas & Harden

راهکارهای توسعه شایستگی و سرانجام قرار گرفتن آنها در ابعاد به عنوان ابعاد رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای را نشان می‌دهد. پژوهشگر با رویکرد فراترکیب مضمونی بستر تحلیل هر یک از مفاهیم و راهکارهای مطرح شده در مطالعات پیشین به راهکارهای رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای را در طی سه مرحله مهیا ساخت. (۶) کنترل کیفیت که زمینه اعتبار فراترکیب را مهیا می‌سازد، بیانگر باورپذیری، اعتمادپذیری و تائیدپذیری نتایج پژوهش می‌باشد. اقدامات انجام شده برای باورپذیری، اعتمادپذیری و تائیدپذیری در ذیل بیان می‌شود:

الف) باورپذیری^{۲۲} در این پژوهش، برای بررسی اعتبار و باورپذیری یافته‌ها از روش چندسویه‌سازی استفاده می‌شود؛ زیرا این روش از بهترین و قوی‌ترین روش‌ها برای دستیابی به باورپذیری است (صفائی‌موحد، ۱۴۰۳، ص. ۹۳). چندسویه‌سازی به چهار روش مختلف قابل اجراست که هر یک متناسب با مقتضیات پژوهش به کار گرفته می‌شود. یکی از روش‌های چندسویه‌سازی، چندسویه‌سازی منابع است. این روش کمک می‌کند تا مطالعات موردنیاز برای سنتزپژوهی، با استفاده از منابع گوناگون، در زمان‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی متفاوت گردآوری شوند. همان‌گونه که در مراحل پیشین توضیح داده شد، اطلاعات پژوهش از منابع و پایگاه‌های داخلی و خارجی متعددی گردآوری شد و از این طریق تلاش شد باورپذیری داده‌ها ارتقا یابد.

ب) اعتمادپذیری^{۲۳}

اعتمادپذیری در پژوهش که حکایت از شفافیت رویه‌ها و فرایند پژوهش دارد، موجب روشنی و تشریح گردآوری و تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های کیفی می‌شود (صفائی‌موحد، ۱۴۰۳، ص. ۹۴). سندلوسکی توصیه می‌نماید تمام قسمت‌ها و فرایند پژوهش و نحوه ترکیب داده‌ها ذکر شود. با استفاده از شفافیت تمام اطلاعات به صورت گویا در دسترس سایر محققان قرار می‌گیرد و زمینه اعتبار و صحت فرایند روش فراترکیب را مهیا می‌سازد (سندلوسکی، ۱۹۹۷). در این پژوهش نیز پژوهشگران با طرح تمام مراحل انجام شده و مقالات مورد استفاده و کنار گذاشته شده‌ها و فرایند دسته بندی سعی نمود تا شفافیت را در پژوهش منعکس نماید. از این طریق اعتمادپذیری پژوهش نیز تائید می‌شود.

ج) تائیدپذیری^{۲۴}

هدف از این شاخص کیفی، بررسی این نکته است که یافته‌های پژوهش تا چه اندازه حاصل مطالعه و نه سوگیری‌های پژوهشگر می‌باشد. (صفائی‌موحد، ۱۴۰۳، ص. ۹۵) در این پژوهش به منظور تائیدپذیری دسته‌بندی در فرایند تحلیل مضمونی از روش هولستی استفاده شد. بدینصورت که مضامین ایجاد شده در اختیار دو نفر از خبرگان مرتبط قرار می‌گیرد تا درصد توافق میان آنان را اندازه گیری نمایند (هولستی، ۱۹۶۹/۱۳۷۳). در این روش برای محاسبه تائیدپذیری باید «درصد توافق مشاهده‌شده»^{۲۵} را طبق فرمول ذیل به دست آورد. در صورتیکه میزان آن از ۶۰ درصد بیشتر باشد در اینصورت پایائی پژوهش مطلوب و مورد تائید است. در این پژوهش براساس فرمول ذیل عمل شد و سرانجام با کدگذاری‌ها با ۸۰۲٪ نشانگر تائیدپذیری پژوهش می‌باشد.

$$\frac{118 \times 2}{294} = 0/802$$

22 . Credibility

23 . Dependability

24 . Confirmability

25 . Percentage of Agreement Observation

۷) ارائه یافته‌ها که آخرین مرحله در فرایند روش فراترکیب می‌باشد، بیانگر یافته‌های پژوهش و دسته‌بندی جدید از داده‌های سایر مزالعات انجام شده می‌باشد. در این پژوهش ارائه یافته‌ها در ادامه در جداول ۲ و ۳ و ۴ ارائه می‌شوند.

یافته‌های پژوهش:

با توجه به سؤال پژوهش مبنی بر راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در هنر جوان رشته‌های هنر و فناوری هنرستانها در سه بُعد ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای در ذیل ارائه می‌شوند:

۱) راهکارهای رفتاری توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنرجویان هنرستانی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنرجویان هنرستانی، صرفاً از طریق انتقال دانش نظری یا آموزش مهارت‌های فنی تحقق نمی‌یابد؛ بلکه به مجموعه‌ای از رفتارها، عادت‌ها و کنش‌های هدفمند نیاز دارد که هنرجو را برای شناسایی فرصت‌ها، حل مسائل، خلق ارزش و اقدام عملی آماده سازد. راهکارهای رفتاری، یکی از محورهای اساسی توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنرجویان هنرستانی است که در جدول شماره (۲) ارائه می‌شود. این راهکارها بر ایجاد مشوق‌های درونی، ارتقاء سطح مهارت‌ها، تقویت زیست بوم فعالیت‌های خلاقانه و تقویت نگرش‌های تعالی محور اشاره دارد. بر این اساس، توسعه شایستگی‌های کارآفرینی صرفاً از طریق انتقال مفاهیم نظری یا ارائه آموزش‌های فنی تحقق نمی‌یابد، بلکه مستلزم فراهم کردن شرایطی است که هنرجو در آن بتواند انگیزه‌های درونی خود را تقویت کند، مهارت‌های متنوعی بیاموزد، به فعالیت‌های خلاقانه بپردازد و همواره در پی ارتقای کیفیت عملکرد و نتایج فعالیت‌های خود باشد. در این میان، ایجاد شوق و انگیزه درونی، نقطه آغاز رفتار کارآفرینانه هنرجویان محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که انگیزه‌های درونی نقش پایدارتر و عمیق‌تری در تداوم فعالیت‌های کارآفرینانه دارند. ارتقای سطح مهارت‌های هنرجویان، بستر عملی بروز شایستگی‌های کارآفرینانه را فراهم می‌کند. تقویت زیست‌بوم فعالیت‌های خلاقانه در هنرستان صرفاً به معنای تولید ایده‌های متفاوت نیست، بلکه فرایندی است که طی آن هنرجو می‌آموزد مسائل و نیازهای جامعه را از زاویه‌ای تازه ببیند، برای آن‌ها راه‌حل‌های جدید ارائه دهد و ایده‌های خود را در قالب محصول، خدمت یا فرایند عملیاتی به کار گیرد. نگرش تعالی‌محور در هنرجویان، به تلاش برای دستیابی به نتایجی فراتر از سطح معمول اشاره دارد. این نگرش موجب می‌شود هنرجو به وضع موجود اکتفا نکند و همواره درصدد شناسایی کاستی‌ها، کشف نیازهای پاسخ‌داده‌نشده و یافتن راه‌هایی برای ارتقای محصولات و خدمات خود باشد.

جدول ۲. راهکارهای رفتاری توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنرجویان هنرستانی

ابعاد	مؤلفه‌ها	مفاهیم	منابع
رفتاری	ایجاد شوق درونی	انگیزه تلاش و تکاپو	C1-C4-C16-C26
		اشتیاق به کارآفرینی	C1-C5-C7-C8-C23
		استفاده از مشوق مالی	C1-C6-C16-C19-C20
		مطلوبیت درک شده	C1-C7-C13-C28
	ارتقاء سطح مهارت‌ها	مهارت کارآفرینی	C5-C12-C18-C19
		توانمندسازی	C1-C5-C7-C12-C17
		حل مسائل و تصمیم‌گیری	C1-C6-C8C11-C21
		مهارت‌های نرم	C-3-C5-C6
		توسعه حرفه‌ای	C1-C21-C27
		مهارت‌های فنی	C3-C9-C11
		وارد میدان عمل شدن	C2-C25-C26

C17-C21-C27	تولید اندیشه و اثر	تقویت زیست‌بوم فعالیت‌های خلاقانه	
C15-C19-C25-C27	رویکرد ایده‌های نو		
C1-C3-C5-C7-C17	توجه به نمایشگاه‌ها		
C1-C3-C5-C15-C17	استفاده از ظرفیت بازارهای محلی		
C10-C16-C21	یادگیری از استارت آپ‌ها		
C1-C6-C15-C25	ایده بهترین نسخه	ایجاد و تقویت نگرش تعالی‌محور	
C30C4-C18-C20-C27	تعهد عمیق به کیفیت		
C8-C13-C20	اصالت و برتری		
C12-C15-C22-C27	نگرش جسورانه		
C1-C13-C14	معیارهای بالا و تعالی‌طلبی		

۲) راهکارهای ساختاری توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجریان هنرستانی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجریان هنرستانی تنها به ویژگی‌های فردی، انگیزه‌ها و تلاش‌های خود هنجریان وابسته نیست، بلکه به ساختارها، برنامه‌ها و حمایت‌هایی نیاز دارد که امکان بروز و رشد این توانمندی‌ها را فراهم سازند. در این میان، راهکارهای ساختاری به مجموعه اقداماتی اشاره دارد که از طریق طراحی و اصلاح ساختارهای آموزشی، حمایتی، ارتباطی و سازمانی، بستر لازم را برای پرورش شایستگی‌های کارآفرینانه ایجاد می‌کنند. راهکارهای ساختاری شرایط را فراهم می‌کنند که رفتارهای کارآفرینانه بتوانند شکل بگیرند، تداوم یابند و به نتایج واقعی منجر شوند. همانطور که در جدول شماره (۳) نشان داده می‌شود، توسعه ظرفیت‌های همکاری جمعی، شکوفاسازی ظرفیت‌های پنهان، استفاده از شتاب‌دهنده‌های رشد فردی و تیمی و استعداد سنجی هنجریان از راهکارهای ساختاری هستند. راهکارهای ساختاری بر این واقعیت اشاره دارند که شایستگی‌های کارآفرینی در خلأ و به‌صورت خودجوش شکل نمی‌گیرند. حتی هنجربی که از انگیزه، خلاقیت یا استعداد بالایی برخوردار است، در صورت فقدان برنامه‌های آموزشی مناسب، حمایت‌های تخصصی، فرصت‌های همکاری، دسترسی به منابع و ارتباط با بازار کار، ممکن است نتواند ظرفیت‌های خود را به عملکرد کارآفرینانه تبدیل کند. از این‌رو، ساختارهای آموزشی و سازمانی باید از الگوی سنتی فاصله گرفته و به سمت ساختارهایی حرکت کنند که مشارکت، انعطاف‌پذیری، شبکه‌سازی، شناسایی استعدادها و حمایت از ایده‌های نوآورانه را تقویت می‌کنند. در واقع راهکارهای ساختاری نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجریان نیازمند ایجاد یک نظام پشتیبان و هماهنگ است.

جدول ۳. راهکارهای ساختاری توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجریان هنرستانی

ابعاد	مؤلفه‌ها	مفاهیم	منابع
ساختاری	توسعه ظرفیت‌های همکاری جمعی	همکاری شبکه‌ای	C24-C22- C3-C7- C18-
		ساختارها و فعالیت‌های گروهی	C4-C5-C22- C2-C5- C11-C19-C8-C18
		خلاقیت‌های پراکنده	C2-C7-C9-C16-C25-
		هم‌افزایی سازمان‌یافته	C4-C9-C18C24-
	شکوفایی ظرفیت‌های پنهان	درون‌زا بودن کارآفرینی	C3-C6-C17-C12-C22
		سرمایه‌گذاری بر خود هنجرو	C1-C2-C11-C9-C18- C15
		ظرفیت‌های درونی هنجرو	C25- C3-C9-C12-C18
		شایستگی‌های فردی	C1- C9- C11-C17- C22
		شکوفاسازی استعدادها	C1-C18-C12-C9- C3C15
		حمایت و پشتیبانی ملموس	C15-C27- C2-C4-C8- C12-C17

C2-C4-C9-C14-C15-C27	صندوق اعتبارات و ارائه وام	استفاده از شتاب‌دهنده‌های رشد فردی و تیمی
C15- C3-C7-C13-C17-C20	حمایت‌های فنی، مشاوره‌ای و آموزشی	
C1-C4-C11-C16-C19	معرفی کارآفرینان به شتاب‌دهنده‌ها	
C4- C14-C8-C17	آئین‌نامه‌ها و قوانین شفاف	
C3-C5-C15-C9-C27-C22-	ایجاد فرصت‌های حضور	
C1-C8-C17-C5-C26	ظرفیت‌های ذاتی	استعداد سنجی
C4-C6-C1-C12-C17-C15-C27-	توانمندی‌های هنجریان	
C4-C5-C11-C16-C13-C24-	توسعه شایستگی‌های کارآفرینی	
C1- C4-C13-C17	شناسایی قابلیت‌های فردی	
C17-C5-C19-C3-C24-C22-	تفکر تحلیلی	
C7-C9-C16-C22-C21	پرورش کارآفرینی	

۳) راهکارهای زمینه‌ای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجریان هنرستانی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجریان هنرستانی، علاوه بر راهکارهای رفتاری و ساختاری، به شرایط و بسترهای محیطی و فرهنگی، نیز وابسته است. راهکارهای زمینه‌ای به مجموعه عواملی اشاره دارد که محیط پیرامون هنجرو و هنرستان را برای شکل‌گیری، تقویت و بروز شایستگی‌های کارآفرینانه آماده می‌کنند. این راهکارها مستقیماً به عملکرد یک فرد یا یک برنامه آموزشی محدود نمی‌شوند، بلکه فضای عمومی حاکم بر هنرستان، جامعه، منطقه، بازار کار و نظام فناوری را دربرمی‌گیرند. همانطور که راهکارهای رفتاری بر «تحوه عملکرد هنجرو» و راهکارهای ساختاری بر «سازوکارهای سازمانی» تمرکز دارند، راهکارهای زمینه‌ای به «محیط و شرایطی» مربوط می‌شوند که رفتارها و ساختارهای کارآفرینانه درون آن شکل می‌گیرند. حتی در صورت وجود برنامه‌های آموزشی مناسب و حمایت‌های سازمانی، چنانچه فرهنگ حاکم بر هنرستان شکست را سرزنش کند، نوآوری را نپذیرد، ارتباطی میان هنرستان و بازار کار وجود نداشته باشد یا هنجریان از فناوری‌های روز بهره‌مند نباشند، توسعه شایستگی‌های کارآفرینی با محدودیت جدی مواجه خواهد شد. راهکارهای زمینه‌ای شناسایی‌شده در پژوهش حاضر شامل فرهنگ کارآفرینی، هوش راهبردی، اکوسیستم کارآفرینی منطقه‌ای و فناوری‌های نوین است که در جدول شماره (۴) ارائه می‌شود. این راهکارها در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند و می‌توانند زمینه‌گذار هنرستان از یک محیط صرفاً آموزشی به یک محیط یادگیری، نوآوری و خلق ارزش را فراهم سازند.

جدول ۴. راهکارهای زمینه‌ای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجریان هنرستانی

ابعاد	مؤلفه‌ها	مفاهیم	منابع
زمینه‌ای	فرهنگ کارآفرینی	حمایت فرهنگی	C1-C2-C19-C5-C27-C22
		تقویت بستر پرورش نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای مرتبط با خلاقیت	C4-C16-C8-C9-C24
		زمینه‌سازی تربیت نیروی کار متعهد و خلاق	C3-C9-C17-C12-C2-C4
		ایجاد فضای مناسب برای هنجاریان	C5-C14-C16-C3-C9-C27
هوش راهبردی		تحلیل محیط و پیش‌بینی روندها	C2-C6-C13-C9-C22-C27
		سازگاری انعطاف در برابر تغییرات	C1-C5-C11-C9-C19-C24
		درک نیازهای بازار و خلأهای صنعتی	C2-C4-C8-C12-C11-C3- C24-C23

C2-C4-C17-C14-C26-C22	توجه به بحران	اکوسیستم کارآفرین منطقه‌ای
C1-C2-C7-C15-C26-C22	مزیت رقابتی	
C7-C14- C19	تمرکز منطقه‌ای	
C1-C2-C5-C14-C15-	شتاب‌دهنده‌ها	
C2-C5-C13-C16-C20-C27	سرمایه‌گذاران خطرپذیر	
C4-C10-C17-C19-C21	پارک‌های علم و فناوری	
C3-C5-C18-C9-C21-C26	شناسائی و تعامل با انجمن‌های صنفی	
C1-C2-C6-C13-C9-C12	رویکرد شبکه‌ای به بازیگران و نقش آفرینان در کارآفرینی	
C1-C2-C7-C18-C20-C27-C21	تمرکز بر ذی‌نفعان اولیه مانند:تأمین کنندگان مالی، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و نهادهای دولتی	
C2-C6-C11-C24-C27	تسهیل فرآیندهای یادگیری و گسترش فرصت‌های نوآوری	فناوری‌های نوین
C1-C6-C8-C17-C18-C24	تسهیل دسترسی به اطلاعات	
C1-C17-C19-C27	تقویت خلاقیت و نوآوری	
C8-C10-C12-C22	دیجیتال مارکتینگ	
C1-C8-C17-C15-	ایجاد شبکه‌های ارتباطی	
C1-C4-C9-C24	یادگیری پویا	

بحث و نتیجه‌گیری:

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه هنجرویان هنرستانی، فرایندی چندبعدی و وابسته به تعامل میان دانش، مهارت، نگرش، ویژگی‌های شخصیتی، ظرفیت‌های ارتباطی، شناخت بازار و زمینه فرهنگی است. به همین دلیل موجب شده است که توسعه آن صرفاً به کسب مهارت‌های فنی یا توانایی راه‌اندازی کسب‌وکار محدود نشود؛ از این رو در این پژوهش مجموعه‌ای از راهکارهای به‌هم‌پیوسته و مکمل مطرح شده است. از سوی دیگر، تغییرات مستمر بازار کار و شکاف میان آموزش‌های رسمی هنرستانی و نیازهای واقعی صنعت، ضرورت توجه به شایستگی‌های نوین شناسایی شده در این پژوهش را برجسته می‌کند. همچنین، دغدغه اشتغال و آینده حرفه‌ای هنجرویان، در کنار توجه به مسائل و ظرفیت‌های موجود در بسترهای زمینه‌ای، نقش مهمی در شکل‌گیری راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در پژوهش حاضر داشته است. تصویر شماره ذیل تعامل و رابطه هر یک از راهکارها را در سه سطح ارائه می‌نماید.

مدل سه شاخگی راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی



نتایج پژوهش حاضر از برخی جهات با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو است. در این پژوهش نیز همانند مطالعه پارک و کیم (۲۰۲۵)، بر اهمیت فناوری‌های نوین و مهارت‌های دیجیتال در توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه تأکید شد. یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که فناوری فقط یک ابزار فنی برای انجام فعالیت‌های آموزشی نیست، بلکه محیطی برای یادگیری، خلاقیت، ارتباط با بازار، بازاریابی، شبکه‌سازی و تبدیل ایده به محصول یا خدمت است. با این حال، تفاوت پژوهش حاضر با مطالعه پارک و کیم در آن است که توانمندی فناوری را به صورت مستقل و منفک از سایر شایستگی‌ها در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را در ارتباط با شایستگی‌های عملی، شناخت بازار، ارتباطات حرفه‌ای و ظرفیت‌های راهبردی هنرجویان تبیین می‌کند. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر فناوری زمانی به توسعه کارآفرینی منجر می‌شود که با نگرش نوآورانه، توانایی حل مسئله، شناخت نیازهای بازار و برخورداری از حمایت‌های آموزشی و سازمانی همراه باشد. این نگاه نشان می‌دهد که توسعه شایستگی دیجیتال، نه صرفاً به معنای آموزش کار با ابزارها، بلکه به معنای توانایی استفاده خلاقانه، هدفمند و ارزش‌آفرین از فناوری در فرایند کارآفرینی است. یافته‌های این پژوهش همچنین با نتایج بارینتوباز و همکاران (۲۰۲۵) همخوانی دارد؛ زیرا در هر دو پژوهش بر اهمیت رهیافت‌های رفتاری، روان‌شناختی و انگیزه‌های درونی در شکل‌گیری شایستگی‌های کارآفرینی تأکید شده است. در پژوهش حاضر، ویژگی‌هایی مانند خودباوری، پشتکار، مسئولیت‌پذیری، استقلال، ریسک‌پذیری منطقی، انعطاف‌پذیری، خلاقیت و انگیزه درونی در زمره عناصر مهم شایستگی‌های نگرشی و شخصیتی قرار گرفتند. با وجود این، پژوهش حاضر دامنه تحلیل را از عوامل فردی فراتر برده و نشان داده است که انگیزه و ویژگی‌های روان‌شناختی زمانی به رفتار کارآفرینانه پایدار تبدیل می‌شوند که در ساختارهای حمایتی و زمینه‌های فرهنگی مناسب قرار گیرند. بنابراین، برخلاف دیدگاه‌هایی که ممکن است کارآفرینی را بیش از اندازه به ویژگی‌های فردی نسبت دهند، یافته‌های این پژوهش بر رابطه متقابل میان فرد و محیط تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که حتی هنرجوی برخوردار از انگیزه و اعتمادبه‌نفس، بدون فرصت تجربه، حمایت آموزشی، ارتباط با بازار و دسترسی به شبکه‌های حرفه‌ای، امکان محدودی برای بروز شایستگی‌های خود خواهد داشت. نتایج پژوهش حاضر با مطالعه کانسیکا و تاراسانسکی (۲۰۲۳) نیز در تأکید بر خلاقیت، نوآوری، ریسک‌پذیری و تحلیل بازار رقابتی همسو است. در هر دو مطالعه، کارآفرینی مستلزم توانایی تشخیص فرصت، ارائه راه‌حل‌های جدید، پذیرش ریسک و درک شرایط رقابتی بازار دانسته شده است. با این حال، تفاوت اساسی در جامعه و مرحله مورد مطالعه است. پژوهش کانسیکا و تاراسانسکی بر تجربیات و دیدگاه‌های کارآفرینان بالفعل و شرایط پس از ورود آنان به بازار تمرکز دارد، در حالی که پژوهش حاضر بر هنرجویان هنرستانی، یعنی افرادی در مرحله پیش از ورود جدی به بازار کار، متمرکز شده است. از این رو، یافته‌های پژوهش حاضر بیشتر ناظر بر شناسایی و توسعه ظرفیت‌های اولیه و قابل‌پرورش کارآفرینانه است و نشان می‌دهد که شایستگی‌هایی مانند تحلیل بازار، خلاقیت، ریسک‌پذیری و نوآوری باید پیش از ورود هنرجو به بازار کار و

در دوره آموزش رسمی شکل گیرد. این تفاوت، اهمیت پژوهش حاضر را در پر کردن خلأ میان آموزش‌های هنرستانی و الزامات واقعی کارآفرینی و اشتغال برجسته می‌سازد. یافته‌های پژوهش حاضر با الگوی ویژگی‌های مدارس کارآفرین ارائه‌شده توسط اکبری و همکاران (۱۴۰۲) نیز قرابت دارد. هر دو پژوهش بر اهمیت محیط اجتماعی و فرهنگی مدرسه یا هنرستان در پرورش خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری، ریسک‌پذیری و تمایل به موفقیت تأکید می‌کنند. نتایج حاضر نیز نشان داد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینی صرفاً از طریق تغییر محتوای آموزشی تحقق نمی‌یابد، بلکه به تحول در فرهنگ مدرسه، روش‌های تدریس، نظام ارزشیابی، فضای فیزیکی، تعامل با جامعه و ارتباط با نهادهای بیرونی نیاز دارد. تفاوت پژوهش حاضر با مطالعه اکبری و همکاران در این است که آن پژوهش بر ویژگی‌های مدرسه کارآفرین تمرکز دارد، اما پژوهش حاضر مستقیماً شایستگی‌های موردنیاز هنرجویان و راهکارهای توسعه آن‌ها را بررسی کرده است. در نتیجه، پژوهش حاضر ضمن تأیید اهمیت محیط مدرسه، دامنه بحث را به شایستگی‌های فردی، مهارت‌های عملی، بینش بازار، شبکه حرفه‌ای، حمایت‌های ساختاری، اکوسیستم منطقه‌ای و فناوری‌های نوین گسترش داده است. همچنین، نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های ویونو و همکاران (۲۰۲۵) درباره نقش یادگیری سازنده‌گرا و پروژه‌محور همسو است. در پژوهش حاضر نیز یادگیری تجربی، انجام پروژه‌های واقعی، حل مسئله، فعالیت گروهی، ارتباط با صنعت و بازار کار و فراهم کردن فرصت برای آزمون و اصلاح ایده‌ها از عوامل مهم توسعه شایستگی‌های کارآفرینی شناسایی شد. هر دو پژوهش بر این نکته تأکید دارند که هنرجو یا فراگیر باید از موقعیت دریافت‌کننده منفعل دانش خارج شود و در فرایند خلق، تجربه، تصمیم‌گیری و حل مسئله مشارکت فعال داشته باشد. تفاوت پژوهش حاضر در آن است که یادگیری پروژه‌محور را به‌عنوان تنها راهکار آموزشی مطرح نمی‌کند، بلکه آن را در منظومه‌ای گسترده‌تر از راهکارهای رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای قرار می‌دهد. در این منظومه، پروژه‌های عملی زمانی اثربخش خواهند بود که از یک سو با استعدادها و انگیزه‌های هنرجویان هماهنگ باشند و از سوی دیگر، با حمایت هنرستان، مربیان، صنایع، شتاب‌دهنده‌ها، فناوری‌ها و شبکه‌های منطقه‌ای پشتیبانی شوند.

نوآوری اصلی پژوهش حاضر را می‌توان در چند سطح تبیین کرد. نخست، این پژوهش به‌طور مشخص بر هنرجویان هنرستانی تمرکز دارد؛ گروهی که در بسیاری از مطالعات داخلی و خارجی کمتر از کارآفرینان بالفعل، دانشجویان یا مدیران مورد توجه قرار گرفته‌اند. هنرجویان هنرستانی در مرحله‌ای قرار دارند که هنوز شایستگی‌های آنان به‌طور کامل تثبیت نشده و می‌توان با مداخلات آموزشی و تربیتی هدفمند، مسیر نگرشی، مهارتی و حرفه‌ای آنان را شکل داد. دوم، پژوهش حاضر به‌جای تمرکز محدود بر یک یا چند ویژگی کارآفرینانه، تصویری جامع از شایستگی‌های موردنیاز هنرجویان ارائه کرده و ابعاد نگرشی و شخصیتی، عملی و مهارتی، بازار و کسب‌وکار، ارتباطی و شبکه‌ای، و ارزش‌محور و فرهنگی را در یک الگوی تلفیقی در کنار یکدیگر قرار داده است. سوم، نوآوری پژوهش حاضر در شناسایی راهکارهای توسعه شایستگی‌ها در سه سطح رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای است. این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که توسعه شایستگی‌های کارآفرینی نه صرفاً از طریق تغییر رفتار هنرجو، نه فقط با اصلاح ساختارهای آموزشی و نه تنها با فراهم کردن فناوری و ارتباط با بازار، بلکه از طریق تعامل هم‌زمان این سطوح امکان‌پذیر است. راهکارهای رفتاری بر ایجاد انگیزه، تقویت نگرش تعالی‌محور، افزایش خلاقیت، تقویت پشتکار و پرورش عمل‌گرایی تمرکز دارند؛ راهکارهای ساختاری شامل توسعه همکاری جمعی، شکوفایی ظرفیت‌های پنهان، استعدادسنجی و ایجاد شتاب‌دهنده‌های رشد فردی و تیمی هستند؛ و راهکارهای زمینه‌ای، فرهنگ کارآفرینی، هوش راهبردی، اکوسیستم منطقه‌ای و فناوری‌های نوین را دربرمی‌گیرند. این تلفیق، امکان تبیین فرایند توسعه شایستگی‌ها را از سطح ویژگی‌های فردی تا سطح سازمانی و محیطی فراهم می‌کند. چهارم، پژوهش حاضر بر بومی‌سازی شایستگی‌های کارآفرینانه در بستر هنرستان‌های ایران تأکید دارد. بسیاری از مدل‌های موجود در زمینه کارآفرینی در بسترهای اقتصادی، فرهنگی و آموزشی کشورهای دیگر شکل گرفته‌اند و نمی‌توان آن‌ها را بدون توجه به ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای، ظرفیت‌های هنرستان‌ها، شرایط بازار کار، فرهنگ اجتماعی و محدودیت‌های نهادی ایران به‌طور کامل به کار گرفت. یافته‌های این پژوهش از متن تجربه‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان و با رویکردی استقرایی استخراج شده است؛ بنابراین، ضمن بهره‌گیری از ادبیات نظری موجود، به شرایط واقعی هنرستان‌ها و نیازهای بومی آنان توجه دارد.

در مجموع، پژوهش حاضر ضمن تأیید بخشی از نتایج مطالعات پیشین درباره خلاقیت، نوآوری، انگیزه، یادگیری تجربی، فناوری، محیط آموزشی و ارتباط با بازار، تصویری جامع‌تر و بومی‌تر از شایستگی‌های کارآفرینانه هنجاریان هنرستانی ارائه می‌کند. تفاوت اصلی این پژوهش با مطالعات پیشین در تمرکز هم‌زمان بر مرحله پیش از ورود به بازار کار، جامعه هنجاریان هنرستانی، ابعاد چندگانه شایستگی‌ها و راهکارهای توسعه آن‌ها در سطوح فردی، سازمانی و محیطی است. بر اساس یافته‌ها، هنرستان کارآفرین صرفاً هنرستانی نیست که در آن یک درس کارآفرینی ارائه شود، بلکه محیطی است که در آن فرهنگ نوآوری، یادگیری عملی، همکاری جمعی، حمایت از ایده‌ها، استعدادپروری، ارتباط با صنعت، استفاده هدفمند از فناوری و پیوند با اکوسیستم منطقه‌ای به‌صورت هماهنگ وجود داشته باشد. از این رو، توسعه شایستگی‌های کارآفرینی هنجاریان مستلزم بازنگری در برنامه‌های آموزشی، روش‌های تدریس، نظام ارزشیابی، فرایند استعدادسنجی، ارتباط هنرستان با بازار کار و سازوکارهای حمایتی است. تحقق این امر می‌تواند هنرستان‌ها را از مراکز صرفاً مهارت‌آموز به محیط‌هایی برای پرورش نیروی انسانی خلاق، نوآور، توانمند، مسئولیت‌پذیر و آماده برای خلق فرصت‌های شغلی و ارزش‌آفرینی پایدار تبدیل کند.

پیشنهادهای:

پیشنهادهای پژوهشی:

۱. با توجه به چندبعدی بودن شایستگی‌های کارآفرینانه، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده رابطه میان ابعاد نگرشی و شخصیتی، مهارتی و عملی، بینش بازار و کسب‌وکار، ارتباطی و شبکه حرفه‌ای و ارزش‌محور و فرهنگی را با استفاده از روش‌های کمی و مدل‌سازی معادلات ساختاری بررسی کنند.
۲. پیشنهاد می‌شود مدل ارائه‌شده در این پژوهش در هنرستان‌های مناطق مختلف کشور، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و صنعتی، آزمون و اعتبارسنجی شود تا میزان تعمیم‌پذیری آن مشخص گردد.
۳. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با رویکرد تطبیقی میان هنرستان‌های برخوردار و کم‌برخوردار، هنرستان‌های شهری و روستایی و رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای انجام شود تا تفاوت نیازها و راهکارهای توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه مشخص شود.

پیشنهادهای اجرایی:

۱. وزارت آموزش و پرورش و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای می‌توانند بر اساس ابعاد شناسایی‌شده در این پژوهش، چارچوب ملی شایستگی‌های کارآفرینانه هنجاریان را تدوین و آن را در برنامه‌های رسمی آموزش هنرستانی لحاظ کنند.
۲. هنرستان‌ها می‌توانند آموزش‌های خود را از حالت نظری و حافظه‌محور خارج کرده و با استفاده از پروژه‌های واقعی، فعالیت‌های کارگاهی، حل مسائل صنعت، تولید محصول، طراحی خدمت و اجرای ایده‌های کسب‌وکار، زمینه یادگیری تجربی هنجاریان را فراهم کنند.
۳. پیشنهاد می‌شود میان هنرستان‌ها، صنایع، شرکت‌های دانش‌بنیان، اتحادیه‌های صنفی، پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و شتاب‌دهنده‌ها تفاهم‌نامه‌های عملیاتی و بلندمدت منعقد شود و این ارتباط به بازدیدهای تشریفاتی محدود نماند.
۴. پیشنهاد می‌شود دوره‌های توانمندسازی حرفه‌ای برای مدیران و هنرآموزان برگزار شود تا آنان با روش‌های تدریس کارآفرینانه، آموزش پروژه‌محور، مربیگری، هدایت ایده‌ها، فناوری‌های نوین و شیوه‌های ارزیابی شایستگی‌محور آشنا شوند.

۵. هنرستان‌ها می‌توانند با برگزاری رویدادهایی مانند جشنواره ایده‌های کارآفرینانه، نمایشگاه محصولات هنرجویی، مسابقات حل مسئله، بازارچه‌های دانش‌آموزی و رویدادهای ارائه ایده، فرصت تجربه، رقابت سالم و ارتباط مستقیم هنرجویان با بازار را فراهم کنند.
۶. پیشنهاد می‌شود اجرای مدل توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه به صورت آزمایشی در تعدادی از هنرستان‌ها آغاز شود و پس از ارزیابی نتایج، بازخورد هنرآموزان، مدیران، هنرجویان و صاحبان صنایع دریافت و مدل برای اجرای گسترده‌تر اصلاح شود.

احمدپور کریم‌آبادی، فریبا، یهمئی، لیلا، و برکت، غلامحسین. (۱۴۰۱). ارائه راهبردهای موثر بر توسعه توانمندی های کارآفرینی در مدارس ابتدایی. *مطالعات مدیریت و رهبری در سازمان‌های آموزشی*، ۲(۲)، ۷۱-۸۴.

<https://sanad.iau.ir/Journal/mlseojournal/Article/1080273>

اسپنسر، لایل ام، و اسپنسر، ساین ام. (۱۴۰۲). شایستگی در کار: مدل‌هایی برای عملکرد متمایز (ترجمه آزادۀ عسکری، سید طاها موسوی، و علی ناصری محمدآبادی). جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی. (اثر اصلی در سال ۱۹۹۳ منتشر شده است).

اشرافی، سکینه، و نجفی هزارجریبی، حبیب‌اله. (۱۳۹۹). شایستگی‌های کارآفرینان آموزشی. *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۱(۱)، ۹۵-۱۱۶. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20086369.1399.11.41.5.4>

اصلانی، عفت، والا، رضا، و ناظم، فتاح. (۱۴۰۲). ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در دوره متوسطه دوم (مطالعه موردی: مدارس متوسط دوم استان البرز). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۹(۲)، ۱-۱۲.

<http://www.jedusocio.com/index.php/se/article/view/361>

اکبری عابدین، تقی‌پور حسینعلی، تقی‌پوریان گیلانی، محمدجواد، و غفاری مجلج، محمد. (۱۴۰۲). طراحی الگوی ویژگی‌های مدارس کارآفرین در ایران بر اساس رویکرد داده‌بنیاد. *خانواده و پژوهش*، ۲۰(۱)، ۱۱۹-۱۳۶.

<http://qjfr.ir/article-1-1868-fa.html>

آراستی، زهرا، قدوسی، سمیرا، و باقری، افسانه. (۱۳۹۵). اثر آموزش کارآفرینی از راه داستان‌سرایی بر نگرش کارآفرینانه. *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۹(۴)، ۵۹۳-۶۱۲.

<https://doi.org/10.22059/jed.2017.61547>

باوفا، داود، دهقانی، مرضیه، جوادی‌پور، محمد، و محمدکاظمی، رضا. (۱۳۹۸). شایستگی‌های کارآفرینانه در برنامه درسی علوم تربیتی: سنتز پژوهی. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۰(۲۰)، ۱۸۷-۲۰۶.

https://www.icsa-journal.ir/article_99219.html

براتی، هادی، و جلیلی، حمیده. (۱۴۰۱). شناسایی عوامل علی مؤثر بر تربیت منابع انسانی کارآفرین محور از دید مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی. *فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی*، ۹(۳۳)، ۱۳۵-۱۵۵.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.24233277.1401.9.33.3.8>

بکان، سلیل، جهانیان، رمضان، و ایران‌نژاد، پریسا. (۱۴۰۲). طراحی الگوی توسعه کارآفرینی مبتنی بر توسعه پایدار در آموزش و پرورش: شواهدی از مدارس استان البرز. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۶(۹۸)، ۷۵-۱۰۹.

https://bsrq.cuir.ac.ir/article_170557.html

بهمنی، ندا، آراستی، زهرا، و حسینی، سید رسول. (۱۳۹۶). آموزش کارآفرینی ابتدایی برای تقویت نگرش کارآفرینانه. *توسعه کارآفرینی*، ۱۰(۴)، ۵۷۴-۵۵۵. <https://doi.org/10.22059/jed.2018.214252.651935>

جعفرپور، محبوبه، هاشمی، احمد، و ماشینچی، علی‌اصغر. (۱۴۰۱). طراحی الگوی برنامه درسی کارآفرینانه مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش ایران. *مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۳(۳)، ۳۰۴-۳۲۱.

<http://elmnet.ir/doc/2590380-74219>

حسینی، زهره، ابوالقاسمی، محمود، و مشبکی اصفهانی، اصغر. (۱۳۹۷). ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی برای دانشگاه فنی و حرفه‌ای. پژوهش در نظام‌های آموزشی، پیاپی ۴۰، ۱۲۱۳-۱۲۳۴.

https://www.jiera.ir/article_66568.html

خدابنده، لیلا. (۱۴۰۰). آموزش کارآفرینی متوسطه در کشورهای منتخب و راهکارهای نظام ایران. زیست‌بوم نوآوری، (۳)، ۶۴-۷۸.

<https://doi.org/10.22111/innoeco.2021.37236.1012>

سلجوقی، خسرو. (۱۳۹۲). نقش آموزش کارآفرینی در نظام‌های آموزشی و پرورشی ایران ۱۴۰۴. نامه سیاست علم و فناوری، (۲)، ۸۵-۱۱۰.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24767220.1392.03.1.6.8>

صفایی موحد، سعید. (۱۴۰۳). پژوهش کیفی: مبانی نظری، راهبردها، سنت‌ها. علم استادان.

عزیزی، زهره، صفاری‌نیا، مجید، علیپور، احمد، و زعفران، رضا. (۱۳۹۸). تأثیر بسته آموزش کارآفرینی بر خلاقیت و اعتمادبه‌نفس کودکان پیش‌دبستانی. توسعه کارآفرینی، (۲)، ۲۶۱-۲۸۰.

<https://doi.org/10.22059/jed.2019.283416.653042>

غفرانی، نرگس، حسینی، سید رسول، و موسی‌خانی، مرتضی. (۱۴۰۱). مدل مدرسه کارآفرین و توسعه شایستگی‌ها در متوسطه. توسعه کارآفرینی، (۱)، ۱۴۱-۱۶۰.

<https://doi.org/10.22059/jed.2022.332859.653806>

فقیهی، مسعود، رحمانی، محمدنور، قورچیان، نادر قلی، و نامی، کلثوم. (۱۴۰۰). ابعاد شایستگی کارآفرینی هنرستان‌ها. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، (۶)، ۱۰۷-۱۲۴.

<https://doi.org/10.22055/edus.2021.35425.3126>

قادری شیخ‌آبادی، مریم، نصیری، فخرالسادات، افضل، افشین، و تعجبی، محمود. (۱۴۰۲). نوآوری نظام‌یافته مدارس، کارآفرینی سازمانی و میانجی‌گری دوسوتوانی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، (۴)، ۲۲-۳۶.

<http://dx.doi.org/10.61186/meo.12.2.175>

قلیچ‌لی، بهروز، و مکانی، عاطفه. (۱۳۹۵). شایستگی‌های کارآفرینانه، نوآوری و عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان. مطالعات مدیریت راهبردی، (۲۷)، ۸۹-۱۰۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286853.1395.7.27.4.7>

کریمی، سعید، علی‌زمانی سردارآبادی، سپیده، و موحدی، رضا. (۱۴۰۰). نقش مهارت‌های شناختی و ناشناختی در شکل‌گیری اراده کارآفرینانه هنرجویان هنرستان‌های کشاورزی استان کرمانشاه. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت آموزش کشاورزی، (۵۶)، ۵۶-۷۲.

<https://doi.org/10.22092/jaear.2021.354302.1817>

کریمیان، زهرا، صالحی، کیوان، و خدایی، ابراهیم. (۱۳۹۹). فرایند شکل‌گیری روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای. اندیشه‌های نوین تربیتی، (۱)، ۷-۴۴.

<https://doi.org/10.22051/jontoe.2019.20595.2234>

محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش. انتشارات جامعه‌شناسان.

مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). *سالنامه آماری کشور: فصل نیروی انسانی*.

<https://amar.org.ir/salnamehamari/agentType/ViewSearch/CustomFieldIDs/65/SearchValues/1402/PropertyTypeID/615>

ملکی آوارسین، صادق، سودی، حورا، و سید نظری، نیر. (۱۳۹۶). آموزش‌های کاردانش و نگرش کارآفرینانه هنجریان. *فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی*، ۶(۱۲)، ۹۹-۱۲۰. <http://journalie.ir/Article/579>

میرزاآقایی، سجاد، قهرمانی، محمد، شمس، غلامرضا، و ابوالقاسمی، محمود. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های مدیریت کارآفرینانه مدارس با رویکرد کیفی. *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۱۳(۴۹)، ۱۱۹-۱۳۸. <https://sanad.iau.ir/Journal/ichs/Article/930703>

ناصری آلاشتی، میترا، هاشم‌نژاد آبرسی، فاطمه، و صفاریان همدانی، سعید. (۱۳۹۹). بومی‌سازی برندینگ مهارت‌آموزی و کارآفرینی در مدارس ایران. *مدیریت مدرسه*، ۸(۳)، ۶۷-۹۴. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25384724.2020.8.3.4.7>

نجفی، رامین. (۱۴۰۱). گزارش آسیب‌شناسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دوره دوم متوسطه (هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش) و ارائه راهکارهای اصلاحی (شماره مسلسل ۱۸۸۰۷). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ.

نوری، فریده، یارمحمدیان، محمدحسین، و نادى، محمدعلی. (۱۳۹۸). ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسشنامه شایستگی فناورانه هنجریان فنی و حرفه‌ای. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ۱۴(۵۲)، ۳۱-۶۱. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17354986.1398.14.52.2.3>

هاشمی، سیده خدیجه، مسعودی ندوشن، عصمت، و گلزاری، زینب. (۱۴۰۰). الگوی کیفیت‌بخشی برای تبدیل هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای به مراکز فنی و حرفه‌ای. *پژوهشنامه تربیتی*، ۱۷(۷۰)، ۱۶۷-۱۸۴. <https://sanad.iau.ir/Journal/educ/Article/940896/FullText>

هولستی، ال. آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی* (ترجمه نادر سالارزاده امیری). دانشگاه علامه طباطبائی. (اثر اصلی در سال ۱۹۶۹ منتشر شده است).

ینایی‌پور، فرحناز، رحیمیان، حمید، طاهری، مرتضی، و عباس‌پور، عباس. (۱۳۹۹). شناسایی راهبردهای آموزش کارآفرینان جوان: یک مطالعه کیفی. *تعلیم و تربیت*، ۳۶(۱۴۱)، ۱۸-۲. <http://qjoe.ir/article-1-2248-fa.html>

Aguirre, R. T., & Bolton, K. W. (2014). Qualitative interpretive meta-synthesis in social work research: Uncharted territory. *Journal of Social Work*, 14(3), 279-294. <https://doi.org/10.1177/1468017313476797>

Bacigalupo, M., Kampylis, P., Punie, Y., & Van den Brande, G. (2016). *EntreComp: The entrepreneurship competence framework*. Publications Office of the European Union. <https://doi.org/10.2791/593884>

Barrientos-Báez, Almudena, Martínez-González, José Alberto, García-Rodríguez, Francisco Javier, & Gómez-Galán, José. (2022). Entrepreneurial competence perceived by university students: Quantitative and descriptive analysis. *Journal*

of *International Studies*, 15(2), 40–49. <https://doi.org/10.14254/2071-8330.2022/15-2/3>

Kansikas, Juha, & Tarasanski, Pavlos. (2023). The experiential perceptions of entrepreneurial competencies: Avenues for the next-generation entrepreneurship education. In J. H. Block, J. Halberstadt, N. Högsdal, A. Kuckertz, & H. Neergaard (Eds.), *Progress in entrepreneurship education and training* (pp. 243–257). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-28559-2_16

Karyono, H. (2017). Leading entrepreneurship education-based primary schools. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 128, 134–139. <https://doi.org/10.2991/icet-17.2017.22>

Man, T. W. Y., & Lau, T. (2000). Entrepreneurial competencies of SME owner/managers in the Hong Kong services sector: A qualitative analysis. *Journal of Enterprising Culture*, 8(3), 235–254. <https://doi.org/10.1142/S0218495800000139>

Park, Jeong-Hyun, & Kim, Seon-Joo. (2025). Entrepreneurial competencies in the era of digital transformation: A systematic literature review. *Digital*, 5(4), Article 46. <https://doi.org/10.3390/digital5040046>

Ring, N., Jepson, R., & Ritchie, K. (2011). Methods of synthesizing qualitative research studies for health technology assessment. *International Journal of Technology Assessment in Health Care*, 27(4), 384–390. <https://doi.org/10.1017/S0266462311000389>

Rusu, L. (2020). A projection of the expected wave power in the Black Sea until the end of the 21st century. *Renewable Energy*, 160, 136–147. <https://doi.org/10.1016/j.renene.2020.06.094>

Sandelowski, M. (2008). Reading, writing and systematic review. *Journal of Advanced Nursing*, 64(1), 104–110. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2008.04813.x>

Sandelowski, M., Barroso, J., & Voils, C. I. (2007). Using qualitative metasummary to synthesize qualitative and quantitative descriptive findings. *Research in Nursing & Health*, 30(1), 99–111. <https://doi.org/10.1002/nur.20176>

Sandelowski, M., Docherty, S., & Emden, C. (1997). Qualitative metasynthesis: Issues and techniques. *Research in Nursing & Health*, 20(4), 365–371. [https://doi.org/10.1002/\(SICI\)1098-240X\(199708\)20:4](https://doi.org/10.1002/(SICI)1098-240X(199708)20:4)

Thomas, J., & Harden, A. (2008). Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews. *BMC Medical Research Methodology*, 8, Article 45. <https://doi.org/10.1186/1471-2288-8-45>

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. (2022). *Strategy for technical and vocational education and training (TVET) 2022–2029: Transforming TVET for successful and just transitions*. UNESCO. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000381090>

Wiyono, B. B., Imron, A., Sumarsono, R. B., Musa, K., & Binti Mohd. Saat, R. (2025). The effect of constructivist learning and project-based learning model on students' entrepreneurial competence in higher education. *Cogent Education*, 12(1), Article 2557606. <https://doi.org/10.1080/2331186X.2025.2557606>